

تبیین بحران هسته‌ای ایران از منظر رویکردهای رئالیستی و نئورئالیستی؛ ابعاد و رویکردها

دکتر آرمین امینی*

چکیده

اصلی‌ترین هدف نوشتار حاضر، انعکاس و بازگویی خلاءهای نظری- پارادایمی دو رویکرد قدرت محور رئالیستی و نئورئالیستی در تبیین بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطح نظام و سیاست بین‌المللی می‌باشد. به واقع مطابق با یافته‌های این پژوهش تحلیل مقوله مذکور از منظر دو رویکرد رئالیستی و نئورئالیستی با واقعیات گفتمانی موجود همخوانی ندارد.

کلید واژه‌ها

بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اصل بقا، اصل خودیاری، تهدیدات امنیتی، قدرت نرم، هژمونیک- گرایبی آمریکا

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج arminamine@yahoo.com

مقدمه

اصولا جمهوری اسلامی ایران به دلایلی چون قرار گرفتن در موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه، عدم شکل‌گیری نظام امنیتی فراگیر و با ثبات و تداوم رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با چالش‌های امنیتی راهبردی فراوانی مواجه است.

این مقوله علاوه بر متاثر بودن از وضعیت منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به مثابه یک زیر سیستم امنیتی منطقه‌ای^۱، نشأت گرفته از جایگاه خاص جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای موثر در عرصه تعاملات بین‌المللی است.

ایران به‌دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، همچنین روندهای متفاوت ژئوکالچر^۲ که نشأت گرفته از هنجارهای متفاوت سیاست‌گذاران راهبردی ایران با هنجارهای مطلوب ائتلاف غرب و سیاست بین‌الملل است دوران ویژه‌ای از رقابت- همکاری^۳ را درون فرایندهای پیچیده امنیتی- رزم زده است که بسیاری از آن بازخوردی از سیاست‌گذاری‌های امنیتی ناهمگون نظام بین‌المللی است.

بر این اساس و در فضای ویژه امنیتی منطقه‌ای که بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای می‌کوشند تا با افزایش سطح تاثیرگذاری راهبردی- امنیتی خود حداکثر مطلوبیت سازی^۴ استراتژیکی را برای خود فراهم کنند، (متقی، ۱۳۸۳: ۸) وضعیت ارتقای هسته‌ای، ایران به مثابه یک دولت واگرا با سیاست‌گذاری‌های یکجانبه گرایانه راهبردی- امنیتی ائتلاف غرب به رهبری نو محافظه‌کاران حاکم بر آمریکا می‌تواند به منزله یک «بحران آشوب ساز» برای منافع راهبردی ائتلاف غرب تلقی گردد (امینی، عملیات روانی آمریکا در حمله به عراق، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۱).

گفتار اول: پرونده هسته‌ای ایران؛ ابعاد و رویکردها

اصولا در فضای تعارضات هویتی- ایدئولوژیکی ما بین ائتلاف غرب و دگربودگی‌های هویتی^۵، ارتقای امنیتی- راهبردی دولت‌های معارض با ثبات هژمونیک ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان یکی از تهدیدات اساسی برای امنیت سرزمینی^۶ آمریکا و منافع راهبردی ائتلاف غرب قلمداد شده است.

- 1- Security Regional Subsystem
- 2- Geo culture
- 3- Competition- Cooperator
- 4- Utilization
- 5- Others
- 6- Homeland security

جمهوری اسلامی ایران که فضای خاص «تهدیدسازی»^۱ و «تقابل‌سازی»^۲ نو محافظه‌کاران و افراد وابسته به مجتمع‌های نظامی- صنعتی^۳ در سیاست بین‌الملل را مغایر با ثبات و امنیت فراگیر جهانی تلقی می‌کند^۴ (امینی، متقاعدسازی افکار عمومی، ۱۳۸۳: ۱۱). بر این باور است که طبق معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) دولت‌های اولیه دارنده فناوری هسته‌ای می‌باید در راستای انتقال و کمک‌رسانی فنی به کشورهای دیگر به منظور «اشاعه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای» بکوشند، مقوله‌ای که کاملاً منطبق با معیارهای حقوق بین‌الملل، همچنین آرای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری سازمان ملل متحد و عرف ناشی از عقل سلیم^۵ است.

بر این مبنا جمهوری اسلامی ایران حق طبیعی خود می‌داند که در فضای آنارشیک^۶ بین‌المللی و در منطقه‌ای که همسایگان ایران از جمله هند و پاکستان به فناوری هسته‌ای آنهم از نوع نظامی تجهیزند، جهت ارتقای منافع و امنیت ملی کشور و بهره‌گیری از داشته‌های بالقوه درونی، ارتقای فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را در دستور کار خود قرار دهد.

مسئله‌ای که بنا به تفسیر تهدیدگونه و یکجانبه‌گرایی حاکم بر سازوکارهای هنجارساز نظام بین‌الملل صدور سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به دنبال داشته است.

مقوله مذکور از منظر تئوریک با رهیافت‌های رئالیستی^۷ و نئورئالیستی^۸ که مبنای هردوی آن مولفه «قدرت» و «امنیت‌سازی» می‌باشد، قابل تبیین است که می‌تواند ابعاد مساله مذکور را به گونه‌ای نظری مورد واکاوی قرار دهد.

گفتار دوم: تبیین وضعیت هسته‌ای ایران از منظر رویکرد رئالیسم

اصولاً رهیافت رئالیسم به‌عنوان پارادایم^۱ اساسی حاکم بر نظام بین‌الملل دوران جنگ سرد، مقوله قدرت را به‌عنوان محور اساس سیاست^۲ و استراتژی^۳ واحدهای ملی^۴ مد نظر قرار می‌دهد.

- 1- Threat Building
- 2- Confrontation
- 3- Military- Industrial complexes
- 4- Comprehensive Global Security
- 5- Common Since
- 6- Anarchic
- 7- Realist Approach.
- 8- Neorealist Approach

در دوران جنگ سرد، اصلی‌ترین ابزار امنیت‌ساز از منظر رئالیست‌ها «قدرت» آن‌هم به صورت عینی و سخت افزاری نظامی بود که بر این اساس نظریه‌پردازی چون هانس جی مورگنتا^۵، مبحث ضرورت افزایش توانمندی دولت از طریق افزایش قدرت نظامی را مطرح می‌کند.

توماس شلینگ^۶، نظریه پرداز رئالیسم استراتژیک^۷ بر توسعه افقی و عمودی تسلیحات^۸ تاکید می‌کند که پایه استراتژی «نگاه نو»^۹ جمهوری خواهان در فضای سیاسی امنیتی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های دهه ۶۰-۱۹۵۰ گردیده بود. رویکرد رئالیستی بر «اصل بقا»^{۱۰} و «اصل خودیاری»^{۱۱} متکی است. اصل بقا بر این مفهوم است که در فضای سیاسی امنیتی ما بین کشورها که منطق آن را هرج و مرج و آنارشی تشکیل می‌دهد، حفظ امنیت سرزمین و حاکمیت کشور مهمترین کار ویژه سیاستگذاران راهبردی- امنیت دولت است و اصل خودیاری به این معناست که هیچ کشوری بدون تصور نمودن منافع حیاتی در ارتباط با واحدهای ملی دیگر، منافع و امنیت خود را جهت همکاری و همگرایی نظامی^{۱۲} - امنیتی به مخاطره نمی‌اندازد.

بر این مبنا در رویکرد رئالیستی دولت‌ها نه از منظر اخلاقی و حفظ پرستیژ، بلکه صرفاً از منظر منافع با یکدیگر به همکاری می‌پردازند و بنابراین در تعاملات بین‌المللی، بیشتر ائتلاف‌های بین‌المللی^{۱۳} مشاهده می‌گردد که مقطعی و زودگذر است و میزان موفقیت اتحاد‌های بین‌المللی^{۱۴} در حداقل سطح تاثیرگذاری مشهود است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- 1- Paradigm
- 2- Politics.
- 3- Strategy.
- 4- Nation States
- 5- Hans. J. Morgentau
- 6- Thomas Sheling
- 7- Strategic Realism
- 8- Arms Horizontal- vertical Developments
- 9- New Look Strategy
- 10- Survival principle.
- 11- Self-help
- 12- Military Integration.
- 13- Coalitions.
- 14- Alliances

رنالیست‌ها امنیت را متمرکز در امنیت نظامی جستجو می‌کنند و بر این باورند که مقوله‌های امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی همگی درون (سیاست سفلی)^۱ قرار می‌گیرند که از اهمیت کمتری نسبت به مقوله‌های نظامی (سیاست اعلی)^۲ برخوردارند.

بر این مبنا از منظر رویکرد رنالیستی، تلاش دست‌اندرکاران راهبردی-امنیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک واحد ملی در راستای ارتقای فناوری هسته‌ای، برآیندی از تهدیدات و فرصت‌هاست^۳ که پیش‌روی ایران قرار دارد.

تهدیدات از سوی دولت‌های دیگر که در فضای امنیت هابزی (بی‌اعتمادی امنیت) قرار دارند، طراحی و عملیاتی می‌گردد و فرصت نیز از تقای فناوری هسته‌ای ایران در راستای ایجاد بازدارندگی^۴ به‌عنوان - تمرکز استراتژیکی تاکتیکی مورد نظر رنالیست‌ها- در مقابل دیگر کشورهاست (Amini,2005:107-109).

رنالیست‌ها بر ضرورت بازدارندگی فعال دولت‌ها در قالب بازداشتن رقیبان راهبردی از وارد نمودن ضربه نخست^۵ تاکید دارند، زیرا متقابلاً ضربه دومی متصور خواهد بود.

بر مبنای تحلیل رنالیست‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، همگی تحت تاثیر اراده دولت‌ها و به مثابه مولفه‌هایی تبعی و سطحی هستند که در نهایت سطح تاثیرگذاری محدودی دارند، لذا رنالیست‌ها برای حقوق و هنجارها اهمیت خاصی قائل نیستند و ارتقای امنیت و منافع ملی کشورها را از طریق نظامی جستجو می‌کنند. چنین چشم‌انداز تئوریکي البته برای تبیین پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران محل تامل بسیار دارد.

گرچه بر طبق نظر رنالیست‌ها، تهدیدات اصولاً ماهیت بیرونی داشته و باید در فضای برون‌گرایانه^۶ به امنیت‌سازی مبادرت نمود (متقی، ۱۳۸۶: ۱۶). و این مساله به گونه‌ای در ماهیت تهدیدات امنیتی علیه ایران صدق می‌کند. ولی واقعیت بر مبنای روندهای عینی موجود از زمان ایجاد بحران هسته‌ای ایران (سال ۲۰۰۲) تاکنون مبین نیت ایران از ارتقای فناوری هسته‌ای جهت مقاصد نظامی نبوده است.

-
- 1- Low Politics.
 - 2- High Politics.
 - 3- Opportunities
 - 4- Deterrence
 - 5- Active Deterrence
 - 6- Exclusive.

اصولا سیاست‌های اعلانی^۱ و اعمالی^۲ همچنین تحلیل گفتمانی^۳ و محتوایی^۴ مواضع جمهوری اسلامی ایران به صراحت نشانگر آنست که جمهوری اسلامی ایران یک دولت پای‌بند به تعهدات و هنجارهای بین‌المللی بوده است و تلاش ایران برای ارتقای فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز را نمی‌توان از نظر تقلیل‌گرایانه^۵ رئالیستی مورد تبیین نظری قرار داد.

مبحث جزء اول و دوم نیز در مقوله مذکور جایگاهی ندارد، بنابراین هر گونه تمرکز بر مسایل سخت‌افزاری نظامی-امنیتی در موضوع مورد بحث اعتبار و روایی کافی نخواهد داشت. لذا تئوری رئالیسم برای تبیین مساله دارای خلاءهای نظری فراوان است.

گفتار سوم: تبیین وضعیت هسته‌ای ایران از نظر رویکرد نئورئالیسم

زمانی برژینسکی^۶ مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا با استفاده از اصطلاح لرزش‌های جهانی^۷، امنیت بین‌المللی را امنیت لرزان قلمداد کرده بود که لرزش‌های آن از نخست بحران^۸ نشات می‌گیرد.

نخست بحران منطقه‌ای است که از جنوب آسیا شروع می‌شود و با گذر از خاورمیانه به شمال آفریقا می‌رسد. برژینسکی این منطقه وسیع را که شامل کشورهای اسلامی (جهان اسلام) می‌گردد، نخست بحران می‌نامد و معتقد است که تهدیدات علیه نظام بین‌الملل، از این منطقه برمی‌خیزد و امنیت بین‌المللی را مورد مخاطره قرار می‌دهد.

برژینسکی داعیه قرار گرفتن در زمره معتقدان به رویکرد نئورئالیسم (رئالیسم ساختاری) را ندارد ولی با بیان جملات فوق می‌توان اذعان نمود که دیدگاهی مشابه با دیدگاه کنت‌والترز^۹ بنیانگذار رهیافت مذکور را دارد.

- 1- Declaration Policies
- 2- Practical Policies
- 3- Discourse Analysis
- 4- Discourse Analysis
- 5- Reductionism
- 6- Brezezinski
- 7- Global vibration
- 8- Crisis Price
- 9- Kenneth Waltz

رهیافت کنت‌والترز در نئورئالیسم به این تعبیر است، که گرچه دولت‌ها (واحد‌های ملی) همچون رویکرد رئالیسم بازیگر اصلی عرصه تعاملات بین‌المللی قلمداد می‌شوند ولی هنجارها و فضای ساختاری محیط بر دولت‌هاست که سیاستگذاران را به اتخاذ استراتژی‌هایی خاص سوق می‌دهد.

طرفداران نئورئالیسم بر این باورند که فضای نظام بین‌المللی اصولاً برگرفته از دولت‌ها، سازمان‌های مختلف، ائتلاف‌بندی‌های امنیتی راهبردی می‌باشد که منطبق حاکم بر آن آنارشی است ولی هنجارهای خاص نظام بین‌الملل که متأثر از منافع قدرت‌های بزرگ^۱ موثر در روندهای امنیتی جهانی می‌باشند بر ایجاد فضا یا محدود نمودن سطح تاثیرگذاری راهبردی - امنیت دولت‌ها تاثیر ویژه‌ای دارد.

بر این اساس کنت‌والترز از دو نظام بین‌المللی دو قطبی^۲ و چندقطبی^۳ یاد می‌کند و معتقد است که فضای نظام بین‌الملل دو قطبی برای حفظ ثبات و امنیت بین‌المللی موثرتر است.

رهیافت کنت‌والترز مولفه اساسی مطلوب خود را همچون رهیافت رئالیسم ضرورت حداکثرسازی توانمندی نظامی، البته با توجه به محدودیت‌ها و هنجارهای نظام بین‌الملل تلقی می‌کند و تفاوت آن را با رئالیسم در تمرکز راهبردی بر نظام بین‌الملل و نه دولت‌ها می‌باید ارزیابی نمود.

رویکرد نئورئالیسم البته به دلیل توجه ویژه به ساز و کارهای امنیت‌ساز بین‌المللی و نه صرفاً اقدامات دولت‌ها، از معیارهای علمی‌تری برای تبیین مسایل بین‌المللی برخوردار است ولی به دلیل تاکید بر مولفه‌های قدرت سخت‌افزاری و نظامی مانند رئالیسم دچار تقلیل‌گرایی نظری^۴ شده است.

اصولاً نئورئالیست‌ها بیشتر محیط بین‌المللی اواخر دوران جنگ سرد را در تحلیل‌های خود مدنظر قرار می‌دهند و به دلیل آنکه به مفاهیمی همچون قدرت نرم^۵، گفتمان‌های متفاوت و امنیت نرم‌افزاری، مقوله‌های ایدئولوژیکی توجه کافی ندارند، در تبیین مساله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نتوانسته‌اند به خوبی نقش مفاهیمی نظیر تعارض ایدئولوژیکی ایران با ائتلاف غرب و تاثیر آن بر پرونده هسته‌ای ایران، جایگاه رویداد ۱۱ سپتامبر به مثابه یک نقطه عطف^۶ در سیاستگذاری‌های امنیتی بین‌المللی و تاثیر آن بر کشورهای واگرا با یکجانبه‌گرایی آمریکا را مورد توجه قرار دهند و به نظر می‌رسد

-
- 1- Great Powers
 - 2- Bipolar System
 - 3- Multipolar System
 - 4- Theoric Reductionism
 - 5- Soft Power
 - 6- Turning-Point

رهیافت‌های میان رشته‌ای (میانبرد)^۱ به واسطه توجه به عوامل ذهنی، هنجاری، فرهنگی و گفتمانی (عوامل نرم‌افزاری) در کنار عوامل مادی بهتر می‌توانند در تبیین چگونگی ارزیابی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در بستر تعاملات بین‌المللی موثر واقع گردند.

به واقع هم اینک در نظریه نئورئالیسم از منظر تبیین تحولات جهانی نیز، دگرگونی‌های گسترده روی داده است.

هم اینک سوی‌مندی نظریات نئورئالیستی تعدیل شده^۲ افرادی نظیر «توماس ریس»^۳ در موضوعات امنیتی جهانی از جمله پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و چندجانبه‌گرایی^۴ برای حل مشکل مذکور دلالت دارد و معتقد است که در جهت فهم بهتر بحران هسته‌ای ایران می‌باید در سه قالب کلی مفهومی و هویتی (نگاه نظری)، ابعاد استراتژیک (نگاه راهبردی) و ابعاد عملیاتی (نگاه میدانی) مساله مذکور را مورد بررسی نظری قرار داد.

مبحث «یادگیری استراتژیکی»^۵ در فضای نظام بین‌المللی از دیگر چالش‌هایی است که هم اینک نظریه‌پردازان نئورئالیسم بر ضرورت طرح آن در مساله هسته‌ای ایران به‌عنوان یک «بحران آشوب‌ساز» در نظام بین‌الملل سلسله مراتبی متمایل به تک قطبی^۶ تاکید می‌کند.

این دسته مباحث از «نهادسازی امنیتی» به مثابه عاملی در راستای درک مفاهیم‌آمیز مبحث هسته‌ای ایران میان ائتلاف غرب و گروه کشورهای جهان سوم (موسوم به گروه نم)^۷ یاد می‌کنند.

مساله‌ای که در صورت تحقق می‌تواند در متغیر هنجاری در ساختارهای قدرت ساز در نظام بین‌الملل کنونی موثر واقع گردد و معادلات بین‌المللی جدیدی را در پارادایم سیاست بین‌الملل پدید آورد.

نتیجه‌گیری

اصولا رهیافت‌های رئالیستی به‌دلیل دیدگاه تقلیل‌گرایانه نظری به مساله هسته‌ای ایران به مثابه یک بحران آشوب‌ساز در نظام بین‌الملل سلسله مراتبی متمایل به تک‌قطبی یا به تعبیر جیمز روزنا^۸، نظام

- 1- Middle range Approaches.
- 2- Modified New realist Approaches.
- 3- Thomas Rises
- 4- Multilateralism
- 5- Strategic Alignment.
- 6- Hgrarchical system Trending to Uripolan system
- 7- Non Aligned Movement

بین‌المللی تک-چندقطبی^۲، در روندهای عینی سیاست بین‌الملل با خلاءهای نظری-پارادایمی فراوانی مواجهند.

اصولا نظام بین‌الملل در مقطع زمانی پسا جنگ سرد را می‌باید «عصر حاکمیت پارادایم گفتمان^۳» تلقی کرد و صرفا تعارضات استراتژیکی- عملیاتی پاسخگوی پدیده‌های بین‌المللی نیستند. در بررسی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که می‌توان آن را به منزله یک نقطه عطف در روند وا-همگرایی^۴ دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به مثابه یک زیرسیستم امنیتی جستجو کرد، هرگونه تلاش در راستای صرفا امنیتی و راهبردی قلمداد کردن مساله فوق‌الذکر، مقوله‌ای غیرمنطبق با روندهای عینی در سیاست بین‌الملل است.

اصولا امنیتی کردن پرونده هسته‌ای ایران از سوی قدرت‌های بزرگ و ائتلاف غرب، فرایند پرهزینه‌ای است که توسط فاکتورهایی با توانایی‌های متفاوت سازماندهی می‌شود که در نهایت هدف اصلی ائتلاف غرب به رهبری آمریکا، کاهش سطح تاثیرگذاری راهبردی-امنیت ایران در فضای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است. به نظر می‌رسد که تعارضات موجود در عرصه نظام بین‌الملل بر محور پرونده هسته‌ای ایران را می‌توان از یکسو تلاش ایران برای حفظ سیاستگذاری‌های مستقل خود از هژمونیک‌گرایی آمریکا، بر مبنای هنجارهای واگرا با ائتلاف غرب و از سوی دیگر تفکر راهبردی نو محافظه‌کاران در راستای بسط یکجانبه‌گرایی ژئوپلیتیکی-ژئواکونومیکی خود از طریق هنجارهای رژیم بین‌المللی خلع سلاح جستجو کرد.

به واقع تحلیل مقوله مذکور از منظر رویکردهای رئالیسم و نئورئالیسم، چندان با واقعیات گفتمانی موجود همخوانی ندارد.

می‌توان مولفه‌های موضوع مذکور را با بهره‌گیری از منظومه فکری کلانی تبیین نظری کرد که بر مبنای تحلیل محتوایی و گفتمانی «رویکرد قدرت هژمون‌ها، ثبات تبیین بر سیطره» و در مقابل عدم حفظ وضع موجود از سوی کشورهای واگرا با یکجانبه‌گرایی آمریکا نظیر جمهوری اسلامی ایران، تحلیل نمود.

-
- 1- James Rosenau
 - 2- Uni – multipolar system
 - 3- Discourses Paradigm
 - 4- Competition

تبیین بحران هسته‌ای ایران از منظر رویکردهای رئالیستی و نئورئالیستی؛ ابعاد و رویکردها

مسئله‌ای که با اتکا به تبدیل مفاهیم انتزاعی گفتمانی بر مفاهیم انضمامی در سطوح تحلیل خرد، میانی و کلان و طی دیالکتیک نظری مابین رویکردهای پوزیتیویستی^۱ با رهیافت‌های فراپوزیتیویستی^۲ صورت عینی و عملیاتی می‌یابد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

امینی، آرمین (۱۳۸۳). «متقاعد سازی افکار عمومی و جنگ آمریکا علیه عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، پاییز و زمستان.

_____ (۱۳۸۳). «متقاعد سازی افکار عمومی و جنگ آمریکا علیه عراق»، فصلنامه علمی- پژوهشی عملیات روانی، تابستان.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۳). «عملیات پیشدستی کننده آمریکا»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، پیش شماره دوم، تابستان.

_____ (۱۳۸۶). «دگرگونی‌های مفهومی در امنیت بین‌الملل، دیپلماسی عمومی»، همشهری دیپلماتیک.

موسوی، سید رسول (۱۳۸۶). «منابع اصلی تهدیدات در نظام بین‌الملل»، همشهری دیپلماتیک، اسفند.

ب) منابع انگلیسی

Amini, Armin, (2005). "Iran, Eu Ties, Constructivism PresPective", Discorse Quanterly, fall 2004, winter.
<http://www.Cfr.Org/Newconservatism and National Secumitg>, /02-2007/html

1- Positivist.

2- Post positivist.